

همایش
ملی
جنگ اوستیای
جنوبی؛
زمینه ها، اهداف و
پیامدها

یکشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۸۷



موسسه مطالعات و تحقیقات تاریخی معاصر ایران
Institute for Iranian Contemporary
Historical Studies

فهرست مطالب

مقدمه دبیر همایش / دکتر حسین احمدی	۱
برنامه همایش	۵
خلاصه مقالات :	
تأثیر جنگ روسیه و گرجستان بر مناسبات نوین در روابط بین الملل / دکتر محمد فرهاد کلینی	۶
روسیه قدیم یا روسیه جدید؟ / کاوه بیات	۹
بررسی مواضع ترکیه در بحران گرجستان / حسن بهشتی پور	۱۰
تقابل روسیه با غرب؛ ماهیت، رویکردها و پیامدها / دکتر هوشنگ کریمی	16
پیامدهای بحران گرجستان در روابط روسیه و ناتو / دکتر منوچهر مرادی	20
آسیب پذیری دولت و ملت تک قومی در گرجستان / دکتر حسین احمدی	22
تأثیر جنگ اوستیا بر انرژی منطقه و جهان / دکتر جهانگیر کریمی	25
پیامدهای جنگ گرجستان بر جهت گیریهای سیاست خارجی روسیه / سید احمد حسینی	27
قفقاز؛ فرصتها و تهدیدها پس از بحران گرجستان / علی نجفی	۳۱
نقش اسرائیل در جنگ گرجستان و روسیه / احمد کاظمی	۳۳
آبخاز؛ سرزمین بحران / حامد کاظم زاده	۳۷
اقدامات حوزه سیاست خارجی	۴۲

مقدمه

دکتر حسین احمدی *

گرجستان کشوری واقع در شمال قفقاز با مساحت ۶۹۷۰۰ کیلومتر مربع ، و جمعیت کمتر از پنج میلیون نفر ، دارای ۷۲۳ کیلومتر مرز با روسیه، ۳۲۲ کیلومتر با آذربایجان، ۳۱۰ کیلومتر با سواحل دریای سیاه، ۲۵۲ کیلومتر با ترکیه ، ۱۶۴ کیلومتر با ارمنستان می باشد.

بیشترین جمعیت این کشور را گرجی ها، سپس ارمنی ها ، آذری ها دارند. اوستیای جنوبی در شمال گرجستان و هم مرز با روسیه با مساحت ۳۹۰۰ کیلومتر مربع با مرکزیت تسخینوالی در قبل از جنگ اخیر با جمعیت کمتر از ۱۰۰ هزار نفر و جمهوری خود مختار اوستیای شمالی در قلمرو روسیه با جمعیت ۸۰۰ هزار نفر می باشد. مردم اوستیا از نظر فرهنگی - نژادی ، قرابت نزدیکی با ایرانیان دارند. گرچه بیشتر آنها مذهب ارتدوکس دارند ولی حدود ۳۰ درصد آنها مسلمانند. آبخاز، سرزمینی در سواحل دریای سیاه با مساحت ۸۷۰۰ کیلومتر مربع با مرکزیت سوخومی با جمعیت حدود ۱۰۰ هزار نفر که اکثریت آبخازی و چرکس می باشند.

معضل اوستیای جنوبی و آبخاز ، از قبل از فروپاشی شوروی گریبان گرجستان را گرفت . اوستیایی ها تقسیم بندی شوروی سابق ، برای واگذاری اوستیای جنوبی به گرجستان را قابل قبول نمی دانستند. و با استفاده از حمایت مردم اوستیای شمالی و پیوند نزدیک با روسیه،

*. د.بی.بهاش

خواستار جدایی از گرجستان بودند. در نتیجه در کمترین فاصله پس از فروپاشی شوروی، سه استان اوستیای جنوبی، آبخازیا و آجاریا، اعلان استقلال کردند.

گامسا خورديا رئيس جمهور گرجستان با شعار گرجستان برای گرجی ها ضمن پیچیده کردن موضوع به سوخومی و تسخینوالی حمله برد. اما گرجستان نتوانست از پس دو ایالت خود مختار برآید. در نتیجه ادوارد شوارنادزه رئیس جمهور وقت گرجستان در چهاردهم ژوئیه ۱۹۹۴ پیمان داگومیس را با بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه امضا کرد. طبق این پیمان نیروهای حافظ صلح روسیه در یک منطقه حایل به عرض هفت کیلومتر اعزام و مستقر شدند.

این وضعیت تا روی کار آمدن ساکاشویلی ادامه داشت. ضمیمه کردن آسان منطقه آجار، متصل به ترکیه و افزایش محبوبیت ساکاشویلی در میان گرجی ها وی را ترغیب به تصرف دو منطقه آبخاز و اوستیای جنوبی نمود.

در روز هشتم اوت ۲۰۰۸ در هنگام برگزاری المپیک چین این تفکر به مرحله عمل در آمد و با کشته شدن دو صلح بان روسی، در حالیکه دنیا مترصد تعمق درباره چگونگی برخورد روسیه با این حرکت بود، بر خلاف انتظار جهانیان واکنش روسیه بسیار سخت و سهمگین بود. روس ها نه تنها این دو منطقه را از چنگ گرجی ها در آوردند، بلکه تا ۳۵ کیلومتری تقلیس پیش رفتند، که در نتیجه این حرکت بسیاری از مراکز نظامی و تأسیسات زیر بنایی گرجستان در معرض نابودی قرار گرفت.

حملات سنگین روسیه، اتحادیه اروپا را وادار به پا در میانی کرد. در سیزدهم اوت ۲۰۰۸ با سفر سارکوزی و مذاکرات با مقامات گرجستان و روسیه، قرارداد آتش بس در شش بند مورد پذیرش طرفین قرار گرفت

که شامل عدم بکارگیری زور از سوی طرفین دیگر، پایان یافتن اقدامات نظامی، تسهیل در راه رسیدن کمک بشر دوستانه، بازگشت نیروهای گرجستان به پادگان ها، تخلیه خاک گرجستان توسط نیروهای روسی و آغاز بحث در مورد اوستیای جنوبی و آبخاز در سطح بین المللی است. بعد از امضای معاهده، نیروهای روسیه در ۲۲ اوت نیروهای خود را از خاک گرجستان خارج کردند. ولی روسیه بر باقی ماندن نظامیان در اوستیای جنوبی و آبخاز تأکید کرد. با اعلام استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا از گرجستان و حمایت روسیه از استقلال این دو جمهوری، گرجستان قطع کامل روابط دیپلماتیک خود با روسیه را اعلام و مناطق اوستیای جنوبی و آبخازیا را مناطق اشغال شده از سوی روسیه اعلام کرد.

نیکاراگوئه رسماً استقلال اوستیای جنوبی را اعلام کرد. حزب اتحاد بزرگ ترکیه، جنبش حماس، جمهوری قبرس، جمهوری قزاق نیز از استقلال دو منطقه دفاع کردند. کشورهایمانند بلاروس، تاجیکستان و ونزوئلا نیز به رسمیت شناختن استقلال این دو ناحیه را در دستور کار خود قرار داده اند.

لوله های نفت باکو - جیهان و صادرات ریلی نفت آذربایجان به دنبال جنگ قطع شده و حمایت روسیه از اعلام استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا این کشور را در حالت برگشت ناپذیری قرار داده که با امنیت ملی آن به شدت گره خورده است.

به نظر می رسد جنگ اوستیای جنوبی، معادلات منطقه ای را دگرگون کرده است. لوله های نفت چند میلیارد دلاری باکو - جیهان و صادرات ریلی نفت جمهوری آذربایجان از طریق گرجستان قطع شده و برای اولین بار فاز اول قرارداد سه ماهه سوآپ نفت جمهوری آذربایجان از طریق ایران عملی شده است.

امریکا با استفاده از جنگ گرجستان سعی در مدیریت کردن روابط اروپا و روسیه را نمود. اروپا در جنگ گرجستان از نظم کافی برخوردار نبود و فرانسه با شدت با هر نوع برخورد با روسیه مخالف و انگلیس و لهستان خواستار برخورد شدید با روسیه بودند .

روس هراسی و فاصله گرفتن از امریکا در کشورهای منطقه باعث سفر دیک چنی به سه کشور جمهوری آذربایجان ، گرجستان و اوکراین شد. حوزه سیاست خارجی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران امیدوار است با برگزاری همایش فوق، گامی در راستای منافع کشور برداشته باشد .

برنامه
همایش ملی
جنگ اوستیای جنوبی ؛

زمینه ها، اهداف و پیامدها

۲۸ مهر ماه ۱۳۸۷

ساعت	موضوع سخنرانی	سخنران
۹-۹/۰۵	—	تلاوت آیاتی از قرآن کریم
۹/۰۵-۹/۱۵	گزارشی از چگونگی شکل گیری همایش	دکتر حسین احمدی استاد دانشگاه و دبیر همایش
۹/۱۵-۱۰/۲۵	جلسه اول	
	رئیس جلسه	دکتر موسی حقانی مدیر پژوهش موسسه تاریخ معاصر
۹-۱۵-۹/۳۰	تأثیر جنگ روسیه و گرجستان بر مناسبات نوین در روابط بین الملل	دکتر محمدفرهاد کلینی کارشناس ارشد CIS
۹/۳۰-۹/۴۵	روسیه قدیم یا روسیه جدید ؟	آقای کاوه بیات پژوهشگر ارشد مسائل قفقاز
۹/۴۵-۱۰	بررسی مواضع ترکیه در بحران گرجستان	آقای حسن بهشتی پور کارشناس ارشد CIS
۱۰-۱۰/۱۵	تقابل روسیه با غرب ؛ ماهیت ، رویکردها و پیامدها	دکتر هوشنگ کریمی آکارشناس ارشد و تحلیل گر مسائل اروپا
۱۰/۱۵-۱۰/۲۵	—	پرسش و پاسخ
۱۰/۲۵-۱۰/۴۵	—	پذیرایی
۱۰/۴۵-۱۱/۵۰	جلسه دوم	
	رئیس جلسه	دکتر مرتضی صفاری مدیر کل کشورهای مشترک المنافع وزارت خارجه
۱۰/۴۵-۱۱	پیامدهای بحران گرجستان در روابط روسیه و ناتو	دکتر منوچهر مرادی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی قفقاز
۱۱-۱۱/۱۵	آسیب پذیری دولت و ملت تک قومی در گرجستان	دکتر حسین احمدی استاد دانشگاه
۱۱/۱۵-۱۱/۳۰	تأثیر جنگ اوستیا بر انرژی منطقه و جهان	دکتر جهانگیر کریمی استاد دانشگاه
۱۱/۳۰-۱۱/۵۰	—	پرسش و پاسخ
۱۱/۵۰-۱۳/۳۰	—	نماز و ناهار
۱۳/۳۰-۱۵	جلسه سوم	
	رئیس جلسه	سید اصغر قریشی مدیرکل اسناد و تاریخ دیپلماسی
۱۳/۳۰-۱۳/۴۵	پیامدهای جنگ گرجستان بر جهت گیریهای سیاست خارجی روسیه	آقای سید احمد حسینی کارشناس ارشد CIS
۱۳/۴۵-۱۴	قفقاز ؛ فرصتها و تهدیدها پس از بحران گرجستان	آقای علی نجفی کارشناس ارشد مسائل قفقاز
۱۴-۱۴/۱۵	نقش اسرائیل در جنگ گرجستان و روسیه	آقای احمد کاظمی پژوهشگر ارشد مسائل قفقاز
۱۴/۱۵-۱۴/۳۰	آبخاز؛ سرزمین بحران	آقای حامد کاظم زاده دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران
۱۴/۳۰-۱۵	—	پرسش و پاسخ
	—	پذیرایی

تأثیر جنگ روسیه و گرجستان بر مناسبات نوین در روابط بین

الملل

محمد فرهاد کلینی*

بحران گرجستان که از زخمهای کهنه تاریخی می باشد همواره تحت تأثیر منازعات داخلی و تحریک محیط خارجی گرجستان بوده است و این شرایط باعث گردیده تا همواره کیفیت بازی از درون و بازی از بیرون به سرعت به محیط درون قفقازی و پیرامونی و همچنین محیط بین المللی منتقل شود.

بازیگران: روسیه ، امریکا ، اروپا

بازیگران حاشیه ای : ترکیه ، اکرین ، اسرائیل

بعد تلاقی : گرجیها ، اوستیائیها ، آبخازیا

محل درگیری : اوستیای جنوبی

محورهای اساسی در رقابت : امنیت ، انرژی ، دولت سازی ، تأثیر منطقه ای

عمق و کیفیت رقابت : یارگیری ، اعمال مدیریت ، چند جانبه گرایی ، تغییر توازن ، آینده سازی دولت گرجستان در چارچوب تثبیت جهت گیری در حوزه امنیت داخلی و سیاست خارجی تلاش کرد تا براساس سیاست رو به جلو و موفقیت نسبی در موضوع آجاریا و بر طبق محاسبه از شرایط خود و محیط بین المللی و جلب همکاری حوزه غرب معادلات موجود در صحنه را به نفع خود تغییر دهد. واکنش سریع و به

*. کارشناس ارشد CIS.

موقع روسیه باعث غافلگیری دولت ساکاشویلی و متحدین گرجستان گردید و در مدت کوتاهی یک رقابت تاکتیکی به یک رقابت استراتژیک تبدیل شد.

ترکیب شرایط با معادلات انرژی و امنیت یک وضعیت تحلیل همه جانبه را نزد بازیگران اصلی و حاشیه ای به وجود آورد. روسیه در تئوری بازی خود ضربه نظامی و اقتدار سیاست خارجی و کمبود فضا سازی در مشروعیت بخشیدن یک بازی برد ناقص را تجربه نمود و در این مسیر دولت گرجستان بازنده تاکتیکی و تا حدودی استراتژیک به حساب آمد.

اروپا نیز با توجه به اختلافات تاکتیکی از درون خود نتوانست پاسخ لازم و متناسب با شرایط را آماده نماید بنابراین با بازی تأخیری و بازدارنده به میدان آمد. از طرف دیگر امریکا موفق شد تا روس هراسی را با رسوبات تاریخی کمونیسم هراسی پیوند بزند و سریعاً قرارداد سپر موشکی با لهستان و چک را با کمترین هزینه به ثمر برساند و مجدداً به اروپا احتیاط تاریخی در تعامل با روسیه بدون امریکا را یادآور شود.

ترکیه به سرعت خود را از موضع حامی به یک میانجیگر تغییر داد و تلاش نمود شکست در حوزه امنیتی را با دیپلماسی و طرح پیمان قفقازی بدون ایران را مطرح سازد. اکراین که گرجستان را محل تسویه حساب غیر مستقیم با روسیه انتخاب کرده بود سعی کرد در امتداد بحران به نفع گرجستان باقی بماند لیکن بعد از ارزیابی از واکنش نسبتاً ضعیف غرب در حمایت از تفلیس صرفاً به حمایت سیاسی و تبلیغاتی پرداخت و بلافاصله با توجه به تحولات داخلی و درگیری مقامات و احزاب داخلی با بحران روبرو شد.

در این میان اسرائیل که توانسته بود موقعیت خود را در دیپلماسی پنهان در گرجستان نهادینه سازی کند با توجه به واکنش روسیه و

محاسبه برد و باخت از شرایط تلاش کرد تا از تحریک آشکار روسیه به صورت تاکتیکی خودداری نماید.

در این واقعه مهم، خیز جدید روسیه در معادلات باعث گردید تا سئوالات جدیدی در دوره انتقالی جدید در نظام بین الملل به وجود آید. محاسبه از اقتدار تا چانه زنی تا مدل چند جانبه گرایی و... در حال مناقشه است و احتمالاتی پیرامون نحوه رقابت و سرعت رقابت و محل ثانویه رقابت و چگونگی چیدمان یارگیری مطرح می شود. لیکن حداقل محاسبه این است که منطقه و جهان در مختصات شش ماه پیش قرار ندارد و وزن استراتژیک با زیگران و تأثیر گذاران در متن و حاشیه تغییر و جابجا شده است.

نتیجه گیری: منطقه و جهان شاهد تحولی نیمه تمام در گرجستان هستند و عمق و سطح تغییر کرده و شرایط با استعداد نوینی برای درگیری و رقابت روبرو است و مصالحه فوری بین طرفین درگیری بسیار سخت به نظر می رسد.

روسیه قدیم یا روسیه جدید؟

کاوه بیات *

اگر چه در کوتاه مدت عملکرد روسیه در خلال بحران اخیر در گرجستان به تغییری عینی و عملی در مناسبات بین المللی منجر نشد ولی به گونه ای که از واکنش بخش های وسیع از جامعه بین المللی نسبت به این تحول بر می آید، دگرگونی مهمی در راه است که جزئیات و مشخصات آن تنها در مراحل بعد روشن خواهد شد. در این بررسی کوتاه سعی بر آن خواهد بود که بعد از اشاراتی چند به چگونگی شکل گیری تنش های قومی میان گرجی ها و اوست ها و آبخازها در اوایل فروپاشی شوروی و سر ریز مجدد این تنش ها پس از حدود پانزده سال، این پرسش مورد توجه قرار گیرد که واکنش تند و تجاوز کارانه روسیه از برآمدن یک روسیه جدید حکایت دارد یا روسیه قدیم؟

تفاوت ها و شباهت هایی که میان این دو روسیه ملاحظه می شود به ویژه از نظر ساختار سیاسی - اقتصادی روسیه در حال حاضر و تاثیر آن بر عملکرد زمامداران کرملمین و همچنین جایگاه این دگرگونی در مناسبات خارجی ایران با توجه به پیشینه تاریخی روابط ایران و روسیه نیز از دیگر نکاتی است که در این بررسی مورد توجه خواهد بود.

* پژوهشگر مسائل منطقه.

بررسی مواضع ترکیه در بحران گرجستان

حسن بهشتی پور *

گرجستان در روز جمعه هجدهم مرداد ۱۳۸۷ در استان جدایی طلب اوستیای جنوبی جنگی به راه انداخت که نه تنها کلیه تحولات دو دهه گذشته در قفقاز را تحت تأثیر قرار داد؛ بلکه به نقطه عطفی در مناسبات روسیه و غرب تبدیل شد.

در این میان اردوغان نخست وزیر ترکیه تنها شش روز بعد از شروع جنگ، با سفر به مسکو ابتکار عمل آنکارا را برای تشکیل کمیته ائتلافی تحت عنوان «اتحادیه قفقاز» مطرح کرد. هدف اصلی این طرح برقراری صلح و امنیت در قفقاز عنوان شد. سرعت عمل اردوغان برای انجام سفر به مسکو و ارائه طرحی از پیش طراحی شده نشان دهنده برخورداری ترکیه از استراتژی بلند مدت در منطقه راهبردی قفقاز است. اردوغان برای تکمیل طرح خود در جریان سفر به باکو در ۳۰ مرداد موضوع نشست ثبات و امنیت در قفقاز را مطرح کرد. در این نشست قرار شد نمایندگان از روسیه، گرجستان، آذربایجان و ارمنستان در آنکارا گرد هم بیایند. در این سفر اردوغان بار دیگر با تأکید بر اینکه در مذاکرات خود با جمهوری آذربایجان پیشنهاد تشکیل پیمان قفقاز را مطرح و اعلام کرد:

«تحولات تازه در گرجستان لزوم برقراری فوری ثبات و امنیت در منطقه قفقاز را یک بار دیگر اثبات کرد، برقراری صلح پایدار در منطقه در راستای منافع ملی ترکیه و منافع مشترک کشورهای منطقه است.»

* پژوهشگر CIS.

ترکیه برای آنکه بتواند در قفقاز طرح خود را پیش ببرد به پشتیبانی ارمنستان نیاز دارد به همین دلیل تلاشی که از مهرماه سال ۱۳۸۶ در مذاکرات محرمانه در سوئیس آغاز شده بود؛ در شانزدهم شهریور ۱۳۸۷ با سفر عبدالله گل رئیس جمهوری ترکیه به نتیجه رسید. وی روز شنبه شانزدهم شهریور در یک اقدام جسورانه به ایروان پایتخت ارمنستان رفت. این دیدار تاریخی در واقع مکمل سفر اردوغان به منطقه بود.

ارزیابی تحلیل از سیاست ترکیه در قفقاز

برای آنکه نگاه دقیقی به برنامه ترکیه برای نفوذ بیشتر در قفقاز داشته باشیم لازم است به چهار سؤال اصلی زیر پاسخ دقیق بدهیم.

۱ اهداف اصلی ترکیه در قفقاز کدامند؟

۲ ترتیبات امنیتی قفقاز از نگاه ترکیه چیست؟

۳ ترکیه برای اجرای ترتیبات امنیتی خود از چه امتیازهایی برخوردار است و با چه موانعی روبرو است؟

۴ تأثیر این سیاست بر موقعیت ایران در قفقاز چیست؟

حمله گرجستان به اوستیای جنوبی و تهاجم برق آسای روسیه به گرجستان در پاسخ به حمله گرجی ها، عزم ترکیه را برای سازمان دهی مناسبات خود با روسیه و کشورهای قفقاز جنوبی با توجه به تغییرات پیش آمده جزم کرد. چرا که ترکیه می دانست برای نقش آفرینی در بازی که در قفقاز آغاز شده است بدون عادی سازی مناسبات با روسیه و ارمنستان نمی تواند منافع خود را در قفقاز در چهارچوب طرح امنیتی مورد نظر به پیش برد.

اهمیت ژئوپولیتیک قفقاز برای ترکیه

از نگاه ژئوپولیتیک نیز، ترکیه برای دستیابی به آسیای مرکزی و ایجاد پیوستگی سرزمینی بین کشورهای ترک زبان به حضور فعال در قفقاز

نیاز دارد. زیرا مرز مشترک ترکیه با جمهوری خود مختار نخجوان که از سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان، توسط ناحیه موسوم به زنگ زور در ارمنستان دور افتاده است برای ترکیه به دو دلیل بسیار مهم حائز اهمیت اساسی است.

۱ ترکیه در صورت داشتن مناسبات دوستانه با ارمنستان می تواند پروژه های حمل و نقل کالا توسط راه آهن و انرژی توسط لوله های نفت و گاز را به راحتی از طریق آذربایجان - ارمنستان و ترکیه انجام دهد.

۲ با حل مشکل مرزهای ارمنستان با ترکیه در عمل، آنکارا می تواند بین نخجوان و مرزهای خودش از طریق خاک ارمنستان با سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان ارتباط برقرار کند. بدین ترتیب پس از سالها، پیوستگی سرزمینی بین پان ترکیست های ترکیه - نخجوان و آذربایجان برقرار می گردد. این درست است که تحقق این امر در کوتاه مدت بسیار بعید است اما هدفی است که در بلند مدت امکان تحقق دارد. بنابراین می توان گفت کلید دروازه نفوذ ترکیه در قفقاز، ارمنستان است. این درست است که ترکیه از طریق مرز مشترک خود با گرجستان نیز می تواند به قفقاز دست یابد اما ارمنستان در واقع امکان مناسبی برای ترکیه به جهت دستیابی نزدیکتر به آذربایجان و از آنجا به خزر و ترکمنستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی است.

اهداف بلند پروازانه ترکیه در قفقاز

ترکیه تنها کشور عضو ناتو در این منطقه است و پس از جنگ در گرجستان، می خواهد نقش مهم تری بازی کند. این کشور راه خروج اصلی نفت و گاز آذربایجان به سوی غرب است و مهار دو تنگه ی بسفر و داردانل را در دست دارد، دو تنگه ای که روسیه و دیگر کشورهای دریای سیاه بیشتر تولیدات خود را از آنجا صادر می کند. عبدالله گل از

تأثیرات بحران قفقاز بر سیاست ترکیه در مصاحبه‌ای با روزنامه رادیکال چاپ آنکارا می‌گوید: «درگیری‌های گرجستان و روسیه بر سر اوستیای جنوبی و آبخازی نشان می‌دهد که برای حل مشکلات در منطقه و جلوگیری از ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی در آینده باید هرچه زودتر باب گفت و گو را گشود و تدابیری اندیشید. ترکیه پیشنهاد کرده است که برای ایجاد ثبات در قفقاز یک گرد همایی منطقه‌ای برگزار شود.»
به طور خلاصه می‌توان اهداف سه‌گانه زیر را برای ترکیه در قفقاز بازشناسی کرد:

۱- گسترش توسعه نفوذ پان‌ترکیسم به آسیای مرکزی
۲- گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای ترک‌زبان منطقه از طریق مشارکت در طرح‌های اقتصادی سودآور به ویژه در زمینه انتقال نفت و گاز کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان که این دو کشور آخر با وجود آنکه در قفقاز قرار ندارند اما می‌توانند از طریق آذربایجان و گرجستان و یا آن‌طور که برنامه ریزی کرده‌اند از طریق ارمنستان در آینده به ترکیه متصل شوند.

۳- تأمین انرژی ترکیه از طریق دستیابی به منابع غنی انرژی قفقاز در این زمینه رقابت با روسیه و ایران در کنار همکاری با آمریکا و اتحادیه اروپا در دستور کار ترکیه قرار دارد.

رئوس برنامه راهبردی ترکیه در قفقاز

اهداف فوق از طریق استراتژی زیر توسط ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز در چند سطح دنبال می‌شود.

۱- دادن امتیاز و وعده به رده‌های بالای قدرت در کشورهای منطقه در مورد کمک به حل مشکلات عمده سیاست داخلی این کشورها
۲- حمایت از گروه‌های محلی طرفدار ترکیه از طریق حمایت مالی از آنها با پوشش سازمان‌های غیردولتی، همچنین برقراری ارتباط هم

زمان با گروه های اپوزیسیون غیر برانداز برای تغییرات غیر قابل پیش بینی

۳- نفوذ اقتصادی در منطقه از طریق شرکتهای فعال در تولید کالاهای مصرفی و نیمه صنعتی

۴- ارائه خدمات فرهنگی در پوشش برگزاری کلاس های آموزشی و دادن بورس های تحصیلی برای جذب نخبگان کشورهای منطقه

طرح ترتیبات امنیتی ۲+۳ برای قفقاز

از نگاه ترکیه بهترین طرحی که می تواند در عین تأمین منافع ترکیه ، امنیت و ثبات را برای قفقاز به ارمغان بیاورد همکاری روسیه و ترکیه با سه کشور جنوبی قفقاز یعنی آذربایجان، گرجستان و ارمنستان است.

مهم ترین مزایای ترتیبات امنیتی مورد نظر ترکیه (از نگاه ترکیه)

۱- کشورهای فرا منطقه ای را شامل نمی سازد یعنی برای آمریکا، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای خارج از منطقه جایگاهی قرار نداده است.

۱- زمینه توسعه همکاری را بین کشورهای قفقاز و سایر مناطق همجوار مانند خزر ، دریای سیاه و آسیای مرکزی را فراهم می سازد.

۲- با کنار گذاردن ایران از حساسیتهای آمریکا و اسرائیل نسبت به تشکیل چنین ترتیبات امنیتی می کاهد و در همین حال یکی از رقبای جدی ترکیه را حذف می کند.

مهم ترین موانع اجرای طرح ترکیه (از نگاه ایران)

۱- نادیده گرفتن ایران که مرز مشترک و سابقه تاریخی طولانی مشترک با مردم قفقاز دارد این طرح را با چالش های جدی روبرو می سازد.

- ۲- مشکلات موجود در منطقه مانند جدایی طلبی در قرا باغ و اوستیای جنوبی و آبخازیا
- ۳- مخالفت روسیه و ارمنستان با چنین ترتیباتی هر کدام با انگیزه های متفاوت .

بررسی مواضع غرب در بحران گرجستان

دکتر هوشنگ کریمی *

روسیه ، غرب (شامل آمریکا و اروپا) و حوزه ژئوپلیتیک قفقاز، اصلی ترین بازیگران و مخاطبین جنگ کوتاه مدت ولی پر شدت روسیه – گرجستان محسوب می شوند. بنابراین برای تبیین و تجزیه و تحلیل این رخداد تاریخ ساز می بایستی هم به ماهیت مناسبات میان این بازیگران و هم رویکردهای آن توجه و تمرکز نمود تا بتوان در نهایت تصویر روشن تری از پیامدهای ناشی از بحران اخیر را ترسیم نمود.

اگر چه حوزه قفقاز اصلی ترین عرصه تجلی بحران اخیر و دو کشور روسیه و گرجستان دو طرف اصلی منازعه و تخاصم تلقی می شوند، اما در واقع بحران و جنگ قفقاز صحنه رویارویی ژئوپلیتیک روسیه و غرب می باشد و روسیه با مبادرت به جنگی سریع، غیرقابل انتظار، پیش بینی نشده و تمام عیار؛ غرب و به خصوص ایالات متحده آمریکا را به چالش کشید. چالشی اعتباری و پرستیژی بر سر تعریف حوزه نفوذ و جایگاه روسیه در نظام بین الملل در حال تکوین .

در حالیکه آمریکا با مستمسک قرار دادن رویداد ۱۱ سپتامبر ، جهان پس از جنگ سرد را به دو مقطع قبل و بعد از ۹/۱۱ تقسیم بندی نمود و در صدد تحمیل نظامی تک قطبی با محوریت و مرکزیت این کشور و با «دکترین جنگ پیشگیرانه» و «یکجانبه گرایانه» بر آمد و با بهره گیری از مومنتوم و نیروی محرکه عظیم ناشی از این حادثه در مدتی کوتاه مبادرت به دو جنگ تمام عیار در افغانستان (تحت عنوان

* . نقلی که در کتابش ارزشمندی دارد.

جنگ با تروریسم) و در عراق (تحت بهانه مقابله با عدم اشاعهٔ سلاح های کشتار جمعی) نمود، روسیه نیز واقعه حماسه نیروهای گرجی به دو منطقه خود مختار اوستیای جنوبی و آبخازیا را بهانه بسیار مناسبی برای تغییر معادلات و محاسبات پیشین و باز کردن صفحه ای جدید در مناسبات خود با جهان خارج به ویژه غرب، قرار داد و از تاریخ تحولات معاصر تفسیری روسی ارائه کرد و جهان معاصر را به دو دوره قبل و بعد از ۸ اوت تقسیم بندی نموده است. تعبیر و تفسیر غربی از این حادثه، درست بر خلاف خواست روسها، القاء کننده تجدید حیات ناسیونالیسم زیاده خواه و توسعه طلب روسی و یادآور بهار پراگ سال ۱۹۶۸ و اشغال چکسلواکی سابق به دست ارتش سرخ شوروی است.

پرسش درباره ماهیت تحول اخیر و چیستی آن، پرسشی مطرح نزد اندیشمندان سیاسی، نظریه پردازان روابط بین الملل، محققین و پژوهشگران و رسانه ها و افکار عمومی دنیاست که هر یک به فراخور نگاه و شناخت و نیاز خود، تفسیری متفاوت از ماهیت و چیستی آن ارائه می دهند که می توان آنرا به چهار گروه دسته بندی نمود:

۱. قائلین به تجدید جنگ سرد جدید در مناسبات روسیه با غرب (مشخصاً آمریکا).

۲. معتقدین به جنگ زرگری و سوداگرانه میان روسیه و غرب بر سر تقسیم منافع .

۳. طرفداران نظریه آغاز صلح سرد و دوره تنش و بی اعتمادی در روابط این دو.

۴. و نهایتاً این نظریه که جهان وارد مرحله ما بعد پس از جنگ سرد شده است.

از جمله مهمترین تفاوتها و تمایزات دوره کنونی با دوره نظام دو قطبی مبتنی بر جنگ سرد، علاوه بر تغییر بنیادین در ساختار و

مناسبات سیستم بین الملل کنونی با نظام پیشین، بر دو عنصر تحول در مفاهیم و تحول در رویکردها استوار است. نوع نگرش و رویکرد حاکم میان دو قطب قدرت و اقمار آن، بیان کننده نوعی ایستار ساده خطی میان دو برابر قدرت و بلوک های تابعه آنها بود، در حالیکه رویکرد و نگرش دو طرف دچار تحولی شگرف گردیده و می توان منشوری چند وجهی و پیچیده را در نوع رویکردهای دو طرف نسبت به یکدیگر مشاهده نمود.

همانگونه که نگاه و رویکرد روسیه در قبال غرب در کلیت آن و به خصوص در تفکیک و تمایز میان آمریکا و اروپا از یکسو، و در قبال کشورها و نهادهای یورو - آتلانتیکی از سوی دیگر، دچار تغییر و تحول کیفی گردید، متقابلاً نگرش و رویکرد غرب به خصوص اروپا نسبت به امپراطوری شیطان (شوروی) نیز متحول شده و قائل به تعامل و مشارکت با روسیه می باشد. طیف ساده خطی « رقابت - تقابل » میان روسیه و غرب در نظام دو قطبی مبتنی بر جنگ سرد، به طیفی گسترده شامل « تقابل - رقابت - تفاهم - شراکت - تعامل » بدل گردیده است.

کلیت نسبتاً همبسته و یکپارچه بلوک غرب سابق در نظام متصلب دو قطبی، اکنون شامل طیف وسیعی از بازیگران ملی، فراملی، اروپایی و فرا آتلانتیکی می باشد. بنابراین سخن از موضع و رویکرد یکپارچه غرب در قبال بحران قفقاز نادرست می باشد و بر همین اساس نیز گستره وسیعی از مواضع و دیدگاه های رهبران و سیاستگزاران غربی را در قبال این رویداد شاهد بوده و می باشیم . تنوع و تکثر رویکردها و مواضع مختلف نه تنها در میان کشورهای متعدد اروپایی و نهادهای یورو - آتلانتیکی ، بلکه همچنین در میان اندیشمندان، سیاستمداران و رهبران ایالات متحده آمریکا نیز قابل شناسایی و مشاهده است.

در یک جمع بندی سریع و استنتاج نهایی، می توان گرجستان و منطقه عمومی قفقاز را بازنده اصلی بحران، ایالات متحده آمریکا را اصلی ترین مخاطب بحران و اروپا را مهمترین حوزه ای دانست که تبعات و پیامدهای بحران اخیر به لحاظ ژئوپلیتیکی، انرژی و اقتصادی آنرا تحت تأثیر قرار داده و خواهد داد .

پیامدهای بحران گرجستان در روابط روسیه و ناتو

منوچهر مرادی *

مناقشه روسیه و گرجستان که با تهاجم نظامی گرجستان به مرکز جمهوری خود مختار اوستیای جنوبی در هشتم اگوست ۲۰۰۸ به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد. بدون تردید، بحران اخیر که در کنار حادثه ۱۱ سپتامبر می توان آن را مهمترین تحول دهه نخست قرن ۲۱ به شمار آورد، دارای ابعاد و پیامدهای جهانی و منطقه ای است. روابط روسیه و آمریکا، روابط روسیه و اتحادیه اروپا، مناسبات روسیه با کشورهای حوزه قفقاز و مباحثی نظیر امنیت و انرژی در اوراسیا از مهمترین موضوعاتی است که تحت تأثیر بحران اخیر قرار خواهد گرفت. در کنار موضوعات مذکور، آینده روابط روسیه و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز از جمله موضوعاتی است که اذهان صاحب نظران و محققین را به خود معطوف خواهد داشت.

سؤال اساسی این است که بحران گرجستان چه پیامدی در روابط آتی روسیه و ناتو خواهد داشت؟

پاسخ به این سؤال به این دلیل حائز اهمیت است که در کنار آمریکا و اتحادیه اروپا، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بازیگری موثر و تعیین کننده در روند تحولات منطقه به شمار می آید. اهداف و عملکرد ناتو طی دو دهه اخیر چه به عنوان یک بازیگر مستقل و چه به عنوان ابزار پیشبرد سیاستهای غرب به ویژه آمریکا نقش مهمی در شکل دهی ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه اروپای شرقی و قفقاز ایفا نموده و

*. ری.ی.س. مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز وزارت امور خارجه.

عملاً به مهمترین چالش سیاسی، امنیتی و نظامی روسیه تبدیل شده است.

مقاله حاضر در پاسخ به سوال فوق و در پی اثبات این فرضیه که روابط روسیه و ناتو پس از بحران گرجستان آمیخته ای از دو رویکرد تداوم و تغییر در حوزه ها و موضوعات مختلف خواهد بود، طی سه بخش ابتدا به تشریح اهداف ناتو در حوزه امنیتی روسیه، دیدگاهها و سیاستهای روسیه در مقابل ناتو و چشم انداز مناسبات آتی روسیه و ناتو پس از بحران اخیر در قفقاز مورد ارزیابی و تحلیل قرار می گیرد.

آسیب پذیری دولت و ملت تک قومی در گرجستان

دکتر حسین احمدی*

شعار دولت گامساکورد با اولین رئیس جمهور گرجستان ، مینی بر « گرجستان برای گرجی ها، گرچه مدت طولانی دوام نیافت اما نشان از فکر عمیقی می داد که در جامعه گرجی به نوعی در تقابل با اقوام موجود داخل گرجستان جریان داشت، امری که در همسایه دیگر گرجستان یعنی جمهوری آذربایجان با انکار اقوام غیر آذری به شدت دنبال می شود. به هر روی جامعه گرجستان برای رسیدن به این هدف با مشکلات فراوان دست به گریبان است:

- کاهش رشد منفی جمعیت گرجی ها در مقایسه با دیگر اقوام.
- حضور نیم میلیون ارمنی در جامعه گرجستان که ضمن همگرایی با روسیه در تقابل عمیق فکری با گرجی ها قرار دارند.
- آذری ها با جمعیت بالغ بر ۳۰۰/۰۰۰ نفر با زندگی در مجاورت مرز جمهوری آذربایجان با گرجستان با نگاهی به تز حاکمیت جمهوری آذربایجان رویای حاکمیت آذربایجان بزرگ را در سر می پروراند.
- مسقطی های ترک زبان که در جنگ جهانی دوم توسط استالین از گرجستان به ازبکستان کوچ داده شدند. بر اساس قرارداد دولت گرجستان با اتحادیه اروپا تا ۲۰۱۱ باید تمامی ۳۰۰/۰۰۰ نفر آنها به گرجستان بازگردند. این قوم در مناطقی که ارمنی ها و گرجی ها کاتولیک اکثریت دارند، همچون جاباخ و مسقط، ساکن خواهند شد.

*. استاد دانشگاه.

خصوصیت بین گرجی ها و ارمنی ها با مسقطی ها از یک شده - که دنبال ترکستان بزرگ هستند - قابل توجه می باشد.

- آجارهای ترک زبان مسلمان گرچه با اقدامات دولت ساکاشویلی به گرجستان ضمیمه شده اند ولی به لحاظ مذهبی ساختار نزدیکتری به ترکیه دارند به ویژه آجارهای ساکن در شهرهای کدا^۱ و خلو^۲.

- اوستی ها با جمعیت ۷۰/۰۰۰ نفری در مجاورت سرزمین روسیه که از نظر فرهنگی، زبانی و نژادی با گرجی ها تفاوت ماهوی دارند.

- آبخازی ها با جمعیت ۷۰/۰۰۰ نفری همانند اوستی ها که به صورت ساختاری با گرجی ها فرق دارند .

- یونانی ها با جمعیت ۵۰/۰۰۰ نفری که بیشتر با مخالفان گرجی ها ، همچون آبخازی ها و اوستی ها همراهی دارند.

- کردهای یزیدی با جمعیت ۲۰۰۰۰ نفری که بیشتر در تفلیس به سر می برند.

- آشوریها با جمعیت چند هزار نفری مستقر در کرتائوسی و تفلیس که ساختار فرهنگی آنها با گرجیها متفاوت است.

نظر به مهاجرت گسترده و کمبود زاد و ولد در میان گرجی ها از یک طرف و افزایش جمعیت سریع اقوام غیر گرجی به ویژه ارمنی ها، آذری ها و مسقطی ها از طرف دیگر، جامعه گرجی در دراز مدت به اقلیت تبدیل خواهد شد. به همین جهت دولت گرجستان جهت حفظ قومت گرجی و برای جلوگیری از زاد و ولد بیشتر قومیت های غیر گرجی ، در آینده نه چندان دور به ناچار آوردن بیشتر از دو فرزند را ممنوع خواهد کرد.

1. *Keda*

2. *Khulo*

جامعه گرجستان همانند ارمنستان یک جامعه یک دست مذهبی نیست. ارمنی ها ساکن گرجستان دارای شریعت گریگوری، آذری ها و مسقطی مسلمانند. تعدادی قابل توجه از گرجی های ساکن در جنوب گرجستان کاتولیک می باشند.

تأثیر جنگ اوستیا بر انرژی منطقه و جهان

دکتر جهانگیر کرمی *

جنگی که میان گرجستان و روسیه بر سر آستای جنوبی روی داد، اگر چه با ادعای اعاده تمامیت سرزمینی یک کشور از یک سو، و حفاظت از مردم و حمایت از حق تعیین سرنوشت یک قوم از سوی دیگر بود، اما کشمکشی فراتر از تفلیس مسکو و بلکه میان روسیه و غرب است.

جمهوری خود مختار اوستیای جنوبی از سال ۱۹۹۲ مورد حمایت روسیه قرار داشته و گرجستان می کوشید تا آن را به سرزمین اصلی ملحق کند. در وضعیت بن بست ناشی از مخالفت روسیه، تفلیس چاره را در جنگ دید. جنگی که دو وضع را پیش می آورد: یا پیروزی و تکرار تجربه آجارستان، و یا شکست و در نتیجه بین المللی شدن موضوع و امکان حل و فصل آن در آن چارچوب .

اما روسیه از این فرصت و با این بهانه، به تنبیه گرجستان پرداخت تا هم درسی باشد برای اوکراین (که در مورد شبه جزیره کریمه و بند سواستوپل) و مولداوی (که در مورد جمهوری پرودنسترویه) وضعیت مشابهی دارند. و البته هشدار برای غرب ؛ آنگاه که با تهدید و قطع موقت دالان تراسیکا و خطوط انتقال انرژی آن، پیام خود را تفهیم نمود.

پرسش مطرح در این نوشته آن است که روسیه، گرجستان و غرب چگونه به این بحران نگاه کردند و آینده آن چگونه می تواند ترسیم

* . استادانگه و کارشناس ارشد CIS.

شود؟ برای پاسخ به این پرسش ها ، موضوع در بخش های زیر مطرح خواهد شد.

۱. مسأله آستییای جنوبی: ابعاد سیاسی و حقوقی
۲. گرجستان: بن بست سیاسی و سناریوهای متصور برای جنگ
۳. روسیه : انتخاب بدتر از بد و تنبیه و هشدار
۴. غرب: مرحله نخست محاصره پس از دو دهه پیش روی آن
۵. نتایج، پیامدها و آینده بازی و اشاراتی به موضوع ایران

پیامدهای جنگ گرجستان بر جهت گیریهای سیاست خارجی روسیه

سید احمد حسینی *

نیروهای ارتش گرجستان در تاریخ ۲۰۰۸/۸/۸ بر اساس فرمان میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهوری آن کشور به منطقه جدایی طلب اوستیای جنوبی حمله بردند. این حادثه که همزمان با مراسم افتتاحیه بازیهای المپیک در پکن و با حضور سران و شخصیت های سیاسی جهان از جمله ولادیمیر پوتین نخست وزیر روسیه صورت گرفت به سرعت به حادثه ای مهم در منطقه و جهان تبدیل و در صدر اخبار سیاسی جهان قرار گرفت.

به دنبال حمله گرجستان، ارتش روسیه در بی سابقه ترین اقدام نظامی خود طی سالهای اخیر به سرعت وارد عمل گردید و با عبور از مرزهای قانونی، وارد منطقه اوستیای جنوبی و مناطق دیگر آن کشور گردیده و تا ۲۵ کیلومتری شهر تفلیس پایتخت گرجستان پیش رفت. علاوه بر این، واحدهای هوایی ارتش روسیه با انجام عملیتهای مختلف، مبادرت به بمباران مراکز نظامی و نابودی زیر ساختهای این کشور نمودند. علمیات ارتش روسیه در برابر اقدام طرف گرجی به اندازه ای گسترده بود که تحلیلگران سیاسی و نظامی هیچ تناسبی بین آن و تعرض صورت گرفته از سوی طرف گرجی نمی دانستند.

از آنجا که اقدام ساکاشویلی در صدور فرمان حمله اوستیای جنوبی از حمایت و پشتیبانی کامل مجموعه غرب برخوردار بود این موضوع به

* پژوهشگر ارشد CIS.

سرعت به مقابل تمام عیار روسیه با طرفهای غربی تبدیل شد و تقابل گسترده ای بین طرفین آغاز گردید.

نظر به اهمیت و حساسیت حادثه گرجستان در این نوشتار به طور اجمال تأثیر بحران یاد شده بر سیاست خارجی فدراسیون روسیه مورد بررسی قرار می گیرد:

- تحلیلگران روسی، حادثه گرجستان را حادثه ۱۱ سپتامبر روسیه تلقی می کنند که در نتیجه آن روند تحقیر روسها که از دو دهه پیش و از دوران شوروی آغاز گردیده و تاکنون ادامه پیدا کرده است پایان می یابد. این موضوع هم در داخل روسیه، هم در فضای کشورهای مشترک المنافع و هم در خارج از مرزهای این مجموعه معنی و مفهوم و بازتاب های وسیعی در پی خواهد داشت.

- واکنش غیر قابل پیش بینی روسیه که مقدمات آن از سخنرانی پوتین رئیس جمهور سابق روسیه در اجلاس امنیتی مونیخ در فوریه سال ۲۰۰۷ کلید خورده بود موجب شکل گیری تقابل گسترده ای بین روسیه با مجموعه غرب گردید. این رویارویی البته احیاء جنگ سرد گذشته نیست بلکه آغازگر دوره ای جدید و مهمتر از آن پایان یک دوره در مناسبات با هم اختلاف داشته و به نوعی درگیر بوده اند اما اینکه به این شکل گسترده با هم درگیر باشند را شاهد نبوده ایم. این امر در بطن خود پایان دوره جهان تک قطبی و حاکمیت آمریکایی هاست که روسها هیچ وجه آنرا بر نتابیده و اعلام می دارند جهان آینده باید جهان چند قطبی باشد که روسیه حتماً یکی از اضلاع آن خواهد بود.

- افزایش تمایلات استقلال خواهانه در مناطق واکرا مانند : کوزوو، اوستیا، آبخازیا، قرا باغ و غیره از پیامدهای جدی منازعه گرجستان می باشد. روسها از هنگام استقلال کوزوو نسبت به پیامدهای منفی اقدام غرب در حوزه های دیگر هشدار داده و بر ضرورت توجه به عواقب منفی

آن تاکید نموده بودند. البته این تیغه دولبه ای است که در آینده به عنوان تهدیدی برای روسیه عمل خواهد نمود چرا که مسکو هنوز موضوعی به نام چین را به پایان نبرده و با روندهای جدایی طلبی در درون فدراسیون دست به گریبان می باشد.

- پیامد دیگر بحران گرجستان بر سیاست خارجی روسیه، احساس خطر روسیه از مداخله و حضور قدرتهای فرا منطقه ای در حوزه های امنیت ملی روسیه به ویژه در منطقه قفقاز می باشد. روسها به عینه مشاهده کردند که هدف غربیها از همکاری با کشورهای منطقه نه یک همکاری ساده و بر مبنای منافع طرفین بلکه بر اساس یک سناریو هدفمند و مبتنی بر تضعیف هر چه بیشتر روسیه بوده است. این اقدامات به خصوص در بخش انتقال انرژی و کریدورهای حمل و نقل و ارتباطات حائز اهمیت است روسیه با اقدام خود در حمله به گرجستان و به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا گام مهمی در تخلیه ظرفیتهای ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک گرجستان برداشت و به غرب هشدار داد که برای امنیت انرژی و ارتباطی باید بیش از همه روی روسیه حساب نماید.

- اهمیت یافتن مسأله قومیت ها از عواقب دیگر بحران گرجستان می باشد. اینکه چگونه اوستیای ۷۰ هزار نفری به مسأله مهم بین المللی تبدیل و به مثابه ابزاری در مناسبات قدرت ها عمل می نماید نکته مهمی است که بدون تردید تأثیر خود بر رفتار کشورها و قدرتهای بزرگ به خصوص روسیه (با توجه به ویژگی کثیرالمله بودن و همجواری با مناطق پیچیده ای مانند قفقاز) بر جای خواهد گذاشت.

- اهمیت یافتن منطقه اوراسیا به عنوان کانون منازعه بین روسیه و قدرتهای غربی. در نتیجه تحولات سالهای اخیر به ویژه بحران

گرجستان ، منطقه اوراسیا از کانونهای سنتی به کانونهای جدید رقابت تبدیل می شود.

- در پایان ذکر این نکته ضروری است که ابعاد و پیامدهای بحران گرجستان بر وضعیت بازیگران به ویژه روسیه بسیار فراتر از حدی است که در این نوشتار به آن اشاره گردیده و طبعاً در مقاله مشروح می توان به تفصیل ابعاد آنرا مورد بررسی قرار داد.

قفقاز؛ فرصتها و تهدیدات پس از بحران گرجستان

علی نجفی*

درگیری نظامی اخیر میان روسیه و گرجستان اگر چه پس از چند روز به واسطه درخواست آتش بس از سوی گرجستان و دستور توقف درگیری از سوی رئیس جمهور روسیه و میانجیگری رئیس جمهور فرانسه و تدوین طرح صلح شش ماده ای متوقف گردید ولیکن تحولات اخیر، پایه های استواری در منازعه ژئوپلیتیک میان روسیه و گرجستان و رقابتهای ژئواستراتژیک میان روسیه و غرب در منطقه بنیان نهاده که پیش بینی آینده آن منازعه و این رقابت، هم مستلزم زمان و هم تعیین کننده چارچوب مناسبات آتی قدرتهای بین المللی است.

در هر حال آن چه که در تبیین و ارزیابی روند تحولات مذکور و وضعیت رقابتهای منطقه ای و بین المللی در قفقاز حائز اهمیت است، تأثیرات این تحولات بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می باشد. در این راستا گسترش دامنه بحران در سطح منطقه علاوه بر تهدید علیه ثبات و امنیت منطقه، با توجه به مناسبات همجواری ایران با قفقاز، می تواند منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار دهد. البته تحولات جاری در منطقه قفقاز می تواند به فرصتی برای نقش آفرینی و پیشبرد سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. در این راستا تحولات مذکور مقطع مناسبی است تا کشورمان نسبت به طراحی و اجرای سیاست مستقل قفقازی خود اقدام نماید.

*. کلماتش اردشاسل CIS.

احصاء و ارزیابی این فرصتها و تهدیدات و تبیین ابعاد و پیامدهای آن می تواند به تنظیم راهبردهای جمهوری اسلامی ایران کمک موثری نماید. در مقاله حاضر، نویسنده با نگاهی کاربردی به تحولات در منطقه قفقاز، به ارزیابی فرصتها و تهدیدات مذکور در چارچوب ضرورتها و الزامات جمهوری اسلامی ایران در مقطع پیدایش بحران فوق الذکر پرداخته و ملاحظات و مؤلفه های مرتبط را مورد نظر قرار می دهد.

نقش اسرائیل در جنگ گرجستان و روسیه

احمد کاظمی*

یکی از مهمترین مسایلی که در جنگ اوستیای جنوبی توجه افکار عمومی جهان را به خود جلب کرد، آشکار شدن نقش رژیم صهیونیستی در تجهیز ارتش گرجستان و طراحی حمله به اوستیای جنوبی بود. برای اولین بار سه ماه پیش از آغاز جنگ اوستیای جنوبی در هفتم اوت ۲۰۰۸، با هدف قرار دادن یک فروند هواپیمای بدون سرنشین ساخت رژیم صهیونیستی موسوم به «هرمیس» برفراز آبخازیا، مسأله کمک های نظامی رژیم صهیونیستی به گرجستان آشکار شد. کمک های رژیم صهیونیستی به گرجستان شامل «آموزش نظامی»، «تأسیس شرکت های نظامی»، «فروش تسلیحات» و «طراحی حمله نظامی به اوستیای جنوبی» بوده است. در این راستا به دنبال افشاء گری منابع روسی، سایت «دبکا» وابسته به سازمان امنیت داخلی رژیم صهیونیستی نیز اذعان کرد بیش از هزار مشاور نظامی رژیم اسرائیل در آماده کردن یگان های تانک، توپخانه و پیاده نظام گرجستان در جنگ ضد روسیه و طراحی نقشه تصرف اوستیای جنوبی نقش داشته اند. همچنین برخی از مقامات نظامی رژیم صهیونیستی اقدام به تأسیس شرکت هایی در گرجستان کرده اند.

در این راستا ژنرال گال هیرش، فرمانده پیشین سپاه شمال ارتش رژیم صهیونیستی یک شرکت تعلیمات نظامی در گرجستان تأسیس کرده است. همچنین ژنرال اسرائیل زیف فرمانده تیپ کماندوها در ارتش رژیم صهیونیستی و ژنرال گال هیرش فرمانده لشکر الجلیل در

* پژوهشگر ارشد مسائل قفقاز.

حال حاضر به عنوان مدیران یک شرکت مشاوره امنیتی در گرجستان به صادرات اسلحه مشغول هستند.

رونی میلو عضو کنیست و وزیر سابق وابسته به حزب لیکود، با همکاری برادر خلبانش، شرکتی در زمینه بازاریابی برای صادرات و فروش صنایع نظامی رژیم صهیونیستی به ارتش گرجستان تأسیس و اقداماتی برای فروش ۲۰۰ دستگاه تانک پیشرفته میرکاوا به گرجستان انجام داده است. رژیم صهیونیستی همچنین طی سالهای گذشته هواپیماهای بدون خلبان هر میس ۴۵۰، سامانه های موشکی متحرک از نوع لینکس و همچنین سلاح سبک و جدید تبور در اختیار گرجستان قرار داده و جنگنده های سوخومی ۲۵ ارتش گرجستان را مدرنیزه کرده است.

افشای ابعاد گسترده همکاریهای نظامی رژیم صهیونیستی و گرجستان در شرایطی است که داوید کیزراشویلی وزیر دفاع گرجستان و تیمور یاکوبشویلی وزیر امور همگرایی این کشور دارای تابعیت اسرائیلی هستند. وزیر دفاع گرجستان تا یک دهه پیش به همراه والدین خود در فلسطین اشغالی زندگی می کرده است. پدر دیوید کیزراشویلی وزیر دفاع گرجستان یک ماه قبل از جنگ اوستیای جنوبی در گفتگو با روزنامه صهیونیستی *یدیعوت آحارونوت* اعلام کرد: پسر وی نسبت به اسرائیل ارادت خاصی دارد. همچنین تیمور یاکوبشویلی وزیر امور همگرایی گرجستان نیز که دارای تابعیت اسرائیلی است، در روزهای اول جنگ گفته بود که ارتش گرجستان توان شکست دادن روسیه را دارد زیرا به دست اسرائیلی ها آموزش دیده است.

در چنین شرایطی نیز میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهوری گرجستان در اظهاراتی بسیار تأمل برانگیز و در گفتگو با شماره روز جمعه ۱۵ اوت روزنامه *هاآرتص* ضمن تکذیب بر توقف ارسال سلاح از

رژیم صهیونیستی به گرجستان گفت: « جنگ و صلح در دستان یهودیان اسرائیل است.

در طول جنگ اوستیای جنوبی مقامات روسیه نیز بارها از تجهیز ارتش گرجستان توسط امریکا و رژیم صهیونیستی خبر دادند. مسکو اعلام کرد که زرادخانه بزرگ سلاح های ساخت امریکا و رژیم صهیونیستی را در شهر سناکی در غرب گرجستان و همچنین در بندر پوتی کشف و ضبط کرده است. روسیه همچنین به طور رسمی از تل آویو خواست کمک های نظامی به گرجستان را متوقف کند.

در این میان این سوال مهم مطرح است که اهداف رژیم صهیونیستی از کمک های نظامی به گرجستان چیست؟ گذشته از انگیزه های اقتصادی، ناظران سیاسی این موضوع را با اهداف دراز مدت این رژیم برای نفوذ در گرجستان به منظور تبدیل کردن این کشور به پایگاهی برای پیشبرد اهداف توسعه طلبانه منطقه ای خود و مسایل انرژی مرتبط می دانند.

رژیم صهیونیستی در تلاش است تا خطوط لوله انتقال انرژی که از گرجستان عبور می کنند، تا فلسطین اشغالی ادامه یابد. در این راستا جلب رضایت گرجستان و حضور نظامی در این کشور به بهانه دفاع از خطوط لوله انتقال انرژی از سوی این رژیم دنبال می شود. از سوی دیگر به نظر می رسد رژیم صهیونیستی از این طریق به دنبال تحت فشار قراردادن روسیه برای عدم همکاریهای نظامی با سوریه و گرفتن امتیاز است. ضمن اینکه خودداری رژیم صهیونیستی از استرداد لئونید نوزلین مدیر اجرایی سابق شرکت نفتی یوکوس که به خاطر قتل چهار شهروند روس به حبس ابد محکوم شده است، باعث سردی در مناسبات مسکو و تل آویو شده است.

البته این دیدگاه در محافل سیاسی وجود دارد که جنگی که تفلیس علیه اوستیای جنوبی آغاز کرده است جنگی است که سران گرجستان به نیابت از غرب به ویژه آمریکا آغاز کرده اند. جالب اینکه با آواره شدن هزاران نفر در جنگ، رژیم صهیونیستی که با معضل مهاجرت معکوس مواجه است، تدابیر ویژه ای برای مهاجرت دادن اقلیت یهودیان گرجستان به فلسطین اشغالی اتخاذ کرد. مجموعه این قراین نشان می دهد که حمله گرجستان به اوستیای جنوبی که پیامدهای گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته است، ظاهراً نه در چارچوب خواست مردم این کشور بلکه با تحریکات امریکا و رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. روسیه نیز از این فرصت حداکثر استفاده را برای پیشبرد اهداف خود در گرجستان، ضربه زدن به تفلیس و اعلام حمایت علنی از استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی استفاده کرد. حال آنکه هزینه این روند متوجه مردم گرجستان است.

آبخاز؛ سرزمین بحران

حامد کاظم زاده *

آبخاز^۱ که در فارسی و عربی به شکل آبخاز، آبخازیه و آبخازستان نیز نوشته شده است، سرزمینی در شمال غرب قفقاز و کرانه شرقی دریای سیاه است. مرکز آن بندر سوخومی در ساحل دریای سیاه است. این جمهوری خود مختار درون مرزهای سیاسی گرجستان با مساحت ۸۷۰۰ کیلومتر مربع قرار گرفته است. آبخاز شامل مناطق کوهستانی از رشته کوه های قفقاز تا کرانه دریای سیاه است که از مصب رود اینگوری^۲ تا ناحیه گاگرا^۳ امتداد دارد. در آخرین سرشماری در سال ۲۰۰۵ م جمعیت این ناحیه در حدود ۱۶۲ هزار نفر بوده است. بیشتر این منطقه جمعیت آبخازی یا چرکسی می باشند. متأسفانه درگیری های قومی باعث مهاجرت گرجی نشینان آبخازیه به سایر مناطق گرجستان شده است. زبان آبخازی به گروه زبان آدیگه – آبخازی تعلق دارد که آن خود از گروه زبانهای شمال باختری خانواده زبان های قفقازی (ایبری – قفقازی) است.

این منطقه از نظر تاریخی به علت قرار گرفتن در مسیر شمال به جنوب و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، همواره میان دول منطقه بر سر آن مناقشه وجود داشته است، زمانی ایران و روم، زمانی ایران و عثمانی و

* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه تهران.

1. *Russian: Aoxa3 Abkhazia Abkhaz; A CHBI Apsny, Georgian: Abkhazeti, or Abkhazeti*
2. *Enguri*
3. *Gagra*

زمانی روسیه و عثمانی. هم اکنون نیز با قدرتمند شدن ساکاشویلی در انقلاب مخملی و شعارهای ملی‌گرای وی، این زخم کهنه، سر باز کرد. درگیری میان گرجیان و آبخازها به سال‌های واپسین شوروی و در هنگام تقسیم قدرت شکل گرفت که با درگیری نظامی و آوارگی چندصد هزار نفر آغاز شد.

شعار گرجستان برای گرجی‌ها در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ در میان سران گرجی در این جنگ و اختلاف قومی بی‌تأثیر نبود. در پایان این مرحله، ادوارد شواردنادزه رئیس‌جمهوری وقت گرجستان در ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۴ پیمان داگومیس را با بوریس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه امضاء کرد تا به جنگ داخلی پایان داده شود و نیروهای حافظ صلح روسیه به طور قانونی به مناطق درگیری یعنی آبخازیا و اوستیای جنوبی اعزام شوند. این آرامش تا سال ۲۰۰۳ م و قدرتمند شدن ساکاشویلی در انقلاب مخملی موسوم به انقلاب رز ادامه یافت. ساکاشویلی در تمامی عرصه‌های سیاست داخلی به تمامیت ارضی و بازگرداندن ۴۷ درصد از خاک گرجستان که در تسخیر سه جمهوری آبخازیا، آجاریا و اوستا است، تأکید می‌کرد. بعد از حمله گرجستان به اوستیای جنوبی، جمهوری آبخازیا نیز با فرمان رئیس‌جمهورشان یعنی «سرگی باگاپش» وارد این جنگ شدند.

حمله روسیه به خاک گرجستان و مخدوش شدن تمامیت ارضی این کشور و همچنین اعلام استقلال دو ناحیه اوستیای جنوبی و آبخازیا به صورت رسمی و تأیید آن در دومای روسیه، حمایت غرب و آمریکا از گرجستان از نظر مالی و نظامی و همچنین جبهه‌گیری دوران جنگ سرد میان شرق و غرب در دنیا از نتایج ماجراجویی ساکاشویلی شد. همچنین روسیه اعلام نمود که تا پایان سال میلادی، سفارتخانه خود در سوخومی را ایجاد می‌نماید و در قراردادی نظامی با آبخازیا،

حمایت قاطع خود از استقلال این جمهوری خود مختار از گرجستان را اعلام کرد. بر اساس مطالعات میدانی نگارنده، این منطقه از سال گذشته دارای واگرایی شدید نسبت به گرجی ها بود و نشانه های درگیری نظامی در آن تا حدودی مشهود بود. در این بین، بیشتر مردم آبخازیا خواستار پیوستن به دولت فدرال روسیه هستند. مردم آبخازیا در حدود بیست سال است که تبعه روسیه محسوب می شوند و گذرنامه روسی دارند. در مصاحبه های محلی، پوتین و مدودف بسیار محبوبیت دارند، و تلویزیون روسیه در آنجا برنامه هایی به زبان آبخازی پخش می کند. مردم این ناحیه، خود را جدا از گرجی ها می دانند و همواره به تبعیض نژادی گرجی ها نسبت به آنها و اوست ها تأکید می کنند .

از نکات قابل توجه در سوخومی، وجود خانه های برخی از سران چچن و اوستیا می باشد که گویی در تابستان ها برای تفریح به این منطقه می آیند. تقریباً تمامی ساحل دریا از گاگرا تا سوخومی، از آپارتمان و ویلاهای توریستی پوشیده شده است. مقامات دولتی آبخازیا نیز در دیدارهای خصوصی با اینجانب به این ویژگی آبخازیا اشاره می کردند و آن را یکی از دلایل گرجی ها برای تصاحب زمین هایشان بر می شمردند. از جمله برنامه های دولت برای رونق گردشگری، تبلیغات فراوان در منطقه سوچی است که میزبان المپیک زمستانی سال ۲۰۱۴ است. این برنامه شامل ساختن و بازسازی پلاژهای کنار ساحل دریا، احداث تله کابین و مجموعه های گردشگری می باشد. آنها مدعی هستند که به علت کمبود جا و فضای مناسب در سوچی ، اکثر گردشگران برای اقامت به آبخازیا سفر خواهند کرد . در اصل اقتصاد آبخازیا وابسته به صنعت گردشگری است. قابل ذکر است که فاصله سوچی تا مرز آبخازیا در حدود ۴۰ کیلومتر است.

مرز آبخازیا با روسیه برای افراد محلی باز است و تنها با نشان دادن گذرنامه عبور می کنند ولی افراد خارجی حتماً باید در سوخومی یا در مرزبانی گاگرا ویزا تهیه کنند. مردم آبخازیا از نظر مطالعات تاریخی و سیاسی نسبت به سایر مردم قفقاز شمالی از سطح بالاتری برخوردارند. بیشتر آنان تحولات جهانی را دنبال می کنند و شناخت مناسبی نسبت به ایران و آقای احمدی نژاد داشتند. حس میهن پرستی نزد آنان مانند اوست ها بسیار بالاست و این خصیصه را تفاوت خود و سایر ملل قفقاز می دانند. در حفظ آداب و رسوم آبخازی و قفقاز بسیار کوشا هستند و در تمامی برنامه های فرهنگی حضور پیدا می کنند. در نواحی ساحلی و پلاژهای تفریحی آرامنه زیادی زندگی می کنند که بیشتر جهت امور تجاری و اقتصادی به اینجا مهاجرت کرده اند.

از ایروان روزانه چند پرواز به سوچی انجام می شود که از این طریق ارتباط آرامنه با آبخازیا برقرار گشته است. تابستان ها گروه کثیری از مردم قفقاز شمالی، آبخازهای مهاجر در سایر نقاط روسیه، ترک های ترکیه و ارمنیان ارمنستان برای تفریح و استفاده از آسایشگاه های دریایی به آبخازیا سفر می کنند که بر اساس ادعای آبخازها این تعداد در سال به یک میلیون نفر می رسد.

دانشگاه دولیت آبخازیا نیز خواستار ارتباط علمی بیشتر با مراکز ایرانی بود. آنها معتقدند که تاریخ و فرهنگ آبخازیا با تاریخ و فرهنگ ایران گره خورده و برای نگارش و یا شناخت آن به زبان فارسی و ایرانشناسی نیاز دارند. شهرهای آبخازیا به صورت طولی گسترش یافته اند و در خشکی عمق ندارند. حتی پایتخت نیز شامل این نوع گسترش شهرنشینی شده است و مردم بیشتر، اطراف ساحل خانه سازی کرده اند. بندر سوخومی از زیبایی منحصر به فردی برخوردار است و با چشم انداز کوه های اطراف، جلوه ای رویایی به دریا بخشیده است. در شهرها

نیز وضعیت ظاهری مناسب وجود دارد و بعلت وضعیت خوب اقتصادی و کمک های دولت روسیه از خرابی خیابان ها و در و دیوار شهر آنچنان خبری نیست. رئیس جمهوری آبخازیا که یک نظامی است، به عنوان یک مبارز و قهرمان ملی نزد مردم محبوبیت فراوانی دارد و در شهرها عکس وی در بیلبردها بسیار مشهود است . همچنین در شهرها نمادهایی از شهدای جنگ علیه گرجی ها به چشم می خورد.

اقدامات

حوزه مطالعات سیاست خارجی

(گروه‌های خاورمیانه و مناطق همجوار ایران)

از دیماه ۸۳ تا آذر ۸۶

زمان	موضوع سخنرانی	سخنران
دیماه ۱۳۸۳	نگاه نادرشاه افشار به قفقازیه	دکتر رضا شعبانی استاد دانشگاه
بهمن ۸۳	فراز و نشیب روابط ایران و جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی	دکتر علیرضا بیگدلی سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان
اسفند ۸۳	تلاقی استراتژیها در بحران قراباغ	آقای محمدفرهاد کلینی سفیر سابق ایران در ارمنستان
فروردین ۱۳۸۴	ترکان جوان در قفقاز	دکتر محمدتقی امامی خوئی استاد دانشگاه
اردیبهشت ۱۳۸۴	تالشان در جمهوری آذربایجان	دکتر حسین احمدی استاد دانشگاه
خرداد ۱۳۸۴	شروانشاهان، صفویه و عثمانی	دکتر رحیم رئیس نیا پژوهشگر و مورخ
مرداد ۱۳۸۴	برخورد صفویان و عثمانیان در قفقاز (۹۹۸-۹۸۶ق)	دکتر نصرالله صالحی استاد دانشگاه
شهریور ۱۳۸۴	قفقاز و سیاست امپراتور عثمانی	آقای علی پور صفر محقق و پژوهشگر
مهرماه ۱۳۸۴	بررسی تطبیق تغییر حاکمیت در قفقاز (۲۰۰۵-۲۰۰۰)	آقای مهرداد طباطبایی کارشناس ارشد مطالعات استراتژیک

۱۳۸۴ بهمن	جایگاه ترکمنستان در منطقه و روابط با ایران	آقای مرتضی رحمانی موحد رئیس اداره دوم مشترک المنافع وزارت خارجہ
۱۳۸۴ اسفند	دریای خزر و رژیم حقوقی آن	آقای مجتبی دمیرچی رئیس دبیرخانه دریای خزر وزارت خارجہ



همایش یک روزه ((مناقشه قراباغ))

۱۳۸۴ آبان		
۱۳۸۵ اردیبهشت	همایش ((بررسی کتب تاریخی جمهوری آذربایجان (با تکیه بر کتب درسی))	
۱۳۸۵ شهریور	همایش ((بررسی تحولات جهان اسلام))	
۱۳۸۵ مهرماه	نشست تخصصی ((مسئله فلسطین و جهان اسلام))	
۱۳۸۵ آبان	همایش ((نوزایی مقاومت اسلامی در خاورمیانه (نگاهی به حماسه حزب الله))	
۱۳۸۵ آذر	همایش ((بررسی تحولات افغانستان (در یکصد سال اخیر))	
۱۳۸۵ دیماه	همایش بررسی جایگاه تالش شمالی در قفقاز	
۱۳۸۵ بهمن	همایش تأثیرات منطقه ای و بین المللی انقلاب اسلامی ایران	
۱۳۸۶ خرداد	همایش بررسی مسئله انسان شناسی فرهنگی در ایران	
۱۳۸۶ تیر	همایش عراق امروز؛ چالشها و چشم اندازها	
۱۳۸۶ مرداد	همایش بررسی حوادث سیاسی آذربایجان (۱۳۲۹-۱۳۲۰ش)	
۱۳۸۶ آذر	همایش ملی جواد خان گنجه ای مرزدار ایرانی قفقاز	
۱۳۸۶ اردیبهشت	همایش ملی بررسی حوادث سیاسی مناطق کردنشین	